

فقه اسلامی

من یرد الله به خیر ا یفقهه
فی الدین.

(حدیث شریف)

"کسی که خداوند به اوی اراده خیر فرماید
اورا در امور دین داشتمند می سازد"

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ○
وَسَيَرْ لِي أَمْرِي ○ وَاحْلُّ عَقْدَةً
مِنْ لَّسَانِي ○ يَفْقِهُوا قَوْلِي ○
(قرآن کریم)

"ای زما پروردگاره ! زما سینه را پراخه کوه !
او زما امر (درسالت) را ته آسان کوه ! او زما
له زی خخه غوته پرانیزه ! چې (خلک) زما په
خبرو (بنه) و پوهه بیوی."

سپتember 2018

ذوالحجۃ 1438

شماره دو صد و پنجاه و دوم

پروفیسور دکتور عبدالستار سیرت

خطاطات ایمانی

(11)

بسم الله الرحمن الرحيم

سلمان فارسی — رضی الله عنہ —

جوینده و یابنده حقیقت

از آتشکده اصفهان تا ادبگاه مدینه

(قسمت دوم)

نبوغ و ابتکار سلمان — رضی الله عنہ — در غزوہ احزاب
(خندق)

در سال پنجم هجرت دولت جدید اسلامی مدینه در
معرض جنگ نا برابر و هولناکی قرار گرفت، غزوات بدر
و أحد و برخورد های گذشته فقط میان مشرکین مکه و
مسلمین به قیادت رسول الله. صلی الله علیه وسلم. واقع
شدہ بود، اما این بار یک عدہ زعمای یهود از مدینه به
مکه رفتند و قبائل عربی خارج مدینه را نیز همنوا
ساختند و خلاف میثاق مدینه و تعهدات همزیستی به
تحریک مشرکین مکه پرداختند و در ائتلاف وسیعی
لشکر بزرگ بیست و چهار هزار نفری را به منظور از بین
بردن تشکل اسلامی در مدینه آماده ساختند، و چون

لشکر دشمن از طرف های متعدد (مشرکین مکه ،
قبائل یهودی ، و قبائل عربی) تشکیل شده بود
غزوہ ناشی ازین لشکر بنام (غزوہ احزاب) یاد شده
و برخی وقائع این غزوہ در قرآن کریم در سوره خاصی
بنام سوره (احزاب) ذکر گردیده است.

رسول الله . صلی الله علیه وسلم . و پیروان شان در
موقع غیر متربقه و مشکل قرار گرفتند و حرکت
ونزدیک شدن چنین لشکر بزرگ و مجهز به مدینه
هر نوع آرامش مسلمین را برهمنمود و نگرانی شدیدی
در صفوں آنها حکم فرماد، رسول اکرم . صلی الله
علیه وسلم . اصحاب شان را به منظور مشوره جمع
فرمودند ، و البته موضوع دفاع از عقیده و مدینه
یک امر طبیعی بود اما سوال اساسی چگونه دفاع و
بچه وسائل و بکدام قدرت مطرح بود. در چنین حالت
دقیق و حساس مرد بلند قامت نیرومند که از مقام و
محبوبیت خاص در نزد رسول الله . صلی الله علیه
وسلم . برخوردار است، بر فراز تپه بلندی در مدینه
بالا شده وجغرافیه مدینه را از نظر سوق الجیشی
تحت نظر و مطالعه دقیق قرار میدهد و در میابد که
مدینه از سه طرف به کوه و صخره های سوخته و
شدید محاط است و فقط یک طرف « شمال » آن ،
ساحه باز و قابل ورود دشمن می باشد. این مرد
مبتكرو دارای نبوغ بی نظیر . سلمان فارسی - رضی

سلمان فارسی /

الله عنه . است ، به پیشگاه رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم . پیشنهاد می نماید که ساحه باز مدینه به وسیله حفر خندق بروی دشمن بسته شود ، نظر سلمان منظور شد و حفر خندق مطابق پلان سوق الجیشی سلمان به شدت آغاز گردید . یک هزار نفر تحت نظر و به اشتراک شخص رسول اکر - صلی الله علیه وسلم - به حفر خندق پرداختند ، و برای هر ده نفر حفر چهل ذراع (یک ذراع = چهل و شش سانتی متر) با طول و عرض و عمق معین که قبلاً طرح شده بود تفویض گردید ، در گروهی که سلمان با ایشان حفرمی نموده بصرخه بزرگی مواجه شدند که از بین بردن آن نا ممکن شد و سلمان بحضور رسول الله - صلی الله علیه وسلم - مراجعت نموده و مشکل کار را به عرض رساند و خواهش کرد که خط حفر خندق را در آن قسمت تغییر دهنده تا آن صخره سنگ بزرگ مانع تمدید خندق نه شود . رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - به محل آن صخره تشریف برداشت و بعد از معاینه آن سنگ شکنی را بدست گرفتند و به اصحاب شان امر فرمودند تا از ساحه صخره بدور شوند تا پارچه های سنگ آنها را اذیت نکند ، با هردو دست مبارک بعد از (بسم الله الرحمن الرحيم) چنان ضربتی بر صخره وارد کردند که صخره از هم ریخت و از میان پارچه های آن شعله های آتش سرکشید . سلمان گفت : من دیدم که آتش برخاسته از شکست این صخره قسمتی از مدینه را روشن ساخته بود .

رسول الله - صلی الله علیه وسلم - تکبیر گویان فرمودند : « الله أكبر ... کلید دروازه های فارس به من داده شد ، قصر های حیره و مداین کسری به من نمایان شدند ، امت من حتماً بر آنها غالب خواهد بود » ضرب دوم و سوم نیز بستان مبارک رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - بر آن صخره وارد و نتیجه همچنان شگفت انگیز و معجزه آسا بود و بر ق آتش پارچه های صخره فضا را روشن ساخته بود و رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - هر بار

تکبیر می گفتند و از بdest آوردن کلید دروازه های روم و شام و یمن و نمایان شدن قصر های آن دولت های بزرگ خبر میدادند و میفروندند : امت من بر آنها غالب خواهد بود .

لشکر بزرگ ائتلاف مشرکین و یهود و قبائل عربی وارد مدینه گردیده و چنان مانع دفاعی و ابتکار سوق الجیشی عجیبی را در برابر خود دیدند که هیچگاه تصور آن هم در اذهان شان خطور نکرده بود . یک ماه کامل کمپ اقامت آنها در آنطرف خندق ادامه داشت و توان داخل شدن در ساحه مدینه را نداشتند و نتیجه برخورد های انفرادی در عرض خندق در طول یکماه شش نفر شهید مسلمان و ده نفر کشته از لشکر دشمن بود ، و در پایان یکماه سایه رحمت و نصرت الهی بر فراز مسلمان ها و طوفان قهر و غضب الله - جل جلاله - بر دشمنان شان نازل گردید و در یکی از شب ها چنان طوفان و باد تباہکن بر لشکر دشمن و کمپ آنها فرود آمد و همه هست و بود و وسائل و اسپان و اموال و خیمه های شان به هوا و هر طرف پاشان و برهم و درهم شدند ، ابو سفیان قائد لشکر دشمن فریاد میکرد : بر گردید و ساحه را ترک کند و هر کدام از هر جا که آمده است به آن برگردد ، آن لشکر کفر (خسر الدنيا و الآخرة) شد و گروه حق در حالیکه فاقه و فقر و شدت مشکلات را تحمل نموده بودند به مدد الهی پیروز و سر بلند شدند و حاصل نبوغ و ابتکار سلمان فارسی - رضی الله عنه - سبب موفقیت مسلمین و وسیله بی سابقه و مؤثر دفاعی در تاریخ غزوات اسلامی شناخت شد ، سلمان فارسی - رضی الله عنه - چنین تکتیک های حربی را از تجارب دوره های تمدن فارسی قدیم بخاطر داشت و آنرا در مناسب ترین موقع طرف استفاده قرار داد ، و هرگاه چنین تدبیر بکار برده نمی شد خدا میداند که چه بلائی بر سر مسلمین وارد می شد ؟ (و العیاذ بالله) .

سلمان - رضی الله عنہ - در کتب معتبر حدیث ثبت است. سلمان - رضی الله عنہ - بحیث عابد، زاہد، آزاد و مجاهد در حیات رسول الله - صلی الله علیہ وسلم - و در عهد ابوبکر صدیق - رضی الله عنہ و عهد عمر بن الخطاب - رضی الله عنہ - زندگی داشت و در عهد عثمان بن عفان - رضی الله عنہ - برحمت حق پیوست، إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ - رضی الله عن سلمان و عن سائر صحابة رسول الله - صلی الله علیہ وسلم -

سؤال از لندن:

خواهرگرامی از لندن می پرسند: اگر شخصی قسم می خورد و بعد از قسم خود را می شکند. آیا کفاره سه روز ، روزه گرفتن است؟ و اگر سه روز ، روزه گرفته نتواند کدام کفاره دیگر برای او وجود دارد که کفاره قسم شکستن او شود؟

سوگند یاد کردن (قسم خوردن)

دکتور القرضاوی جواب میدهد

قسم عبارت از یاد کردن نام خداوند سبحانه و تعالی و یا صفات و اسماء اقدس الهی می باشد . مثلا کسی بگوید که بخدا قسم که این عمل را و یا این کار را انجام داده ام و یا نداده ام و یا اینکه بذات و صفات خداوند که این را نگفته ام و یا گفته ام و یا این عمل را انجام نخواهم داد.

در بین جامعه ما رواج دارد و عادت شده که بغیر از نام خداوند و صفات وی قسم یاد میشود مثلا میگوییم که به سر پدر جانم و یا به سخنی جان و یا به قبر پدرم و به همین روزی و یا به سر پسرم قسم است که این نوع قسم یاد کردن در اسلام اساس نداشته بلکه صاحب آنرا گناه کار میسازد و باید مسلمانان حکم قسم یاد کردن را بدانند و خود را عادت بدھیم که اصلاً زیاد قسم یاد نکینم.

سلمان فارسی /

درس های قابل استفاده از غزوه خندق :

1. مشوره و مراجعه به آرای مردم کلید حل مسائل و مشکلات است.
2. استفاده از تجارب تاریخی دیگران یک امر مشروع و مفید است.
3. تحمل و صبر در برابر وقایع مشکل.
4. اعتماد و توکل به الله حکیم و عادل بعد از توسل به تمام اسباب وسائل ممکن.

سلمان منا آآل البيت :

در پایان غزوه خندق به تقدیر از مقام سلمان فارسی - رضی الله عنہ - مهاجرین گفتند: سلمان از جمله مهاجرین و فردی از میان ما است (بدلیل اینکه سلمان از خارج مدینه بحیث مهاجر وارد مدینه شده است) و انصار گفتند : سلمان انصاری است ویکی از انصار است (بخارا اینکه سلمان در مدینه بدین اسلام مشرف شد). رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - در خلال این مسابقه کسب افتخار انتساب سلمان به مهاجرین یا انصار خطاب به مهاجرین و انصار فرمودند: (سلمان منا آآل البيت) سلمان از جمله ما و فردی از اهل بیت رسول الله - صلی الله علیه وسلم - است) سبحان الله ، چه شرف و عزت بزرگ . در پرتو اسلام هیچکس نمیتوانست بگوید که سلمان عرب نیست، سلمان از خارج آمده است، سلمان سابقه آتش پرستی دارد ، سلمان در خدمت انصاری و غلام یهود بود . بل سلمان صحابی جلیل پیامبر بزرگ اسلام است . مهاجرین و انصار همه به شخصیت افتخار می کنند ، سورور کائنات رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - سلمان را از اهل بیت خود محسوب میفرماید (ذلک فضل الله يؤتیه من يشاء). در حیات رسول اکرم - صلی الله علیه وسلم - سلمان - رضی الله عنہ - در کنار و در خدمت آنحضرت بود ، احادیثی از رسول الله - صلی الله علیه وسلم - بروایت

سوگند

رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم می فرماید کہ:
من حلف علی یمین و هو فیها فاجر لیقطع بها مال
امری مسلم لقی اللہ و هو غضبان * متفق علیه ،
کسیکہ قسم یاد کند و او در قسم خود فاجر باشد تا
مال مسلمان را بخورد خداوند را در حالیکہ بالایش
با غصب است مواجہ میگردد) .

قسم غموس کفارہ ندارد و باید صاحب آن توبہ کند
دوم : لغو یمین : این نوع قسم آن است که یک انسان
عادت نموده که همیشه و در هر موضوع قسم یاد کند
بدون اینکه یاد کردن قسم ضرورت باشد و یا کسی
از وی بخواهد که قسم یاد کند در این نوع قسم
ممکن شخص تصور و خیال میکند که به آنچه قسم
یاد میکند صحیح است در حالیکه صحیح نمی باشد
در ای نوع قسم انسان محاسبه نمی شود و این نوع
قسم کفارہ ندارد زیرا در آن گناه نیست .

سوم : قسم المنعقدہ : این نوع قسم متعلق به اجرای
یک عمل در آینده می باشد مثلا شخصی می گوید
که این کار را در آینده انجام میدهم . در این نوع قسم
اگر انسان عمل کرد کفاره نیست و اگر عمل نکرد
کفاره است . و اگر کسی بگوید که ان شاء اللہ این کار
را میکنم و نکرد کفاره نیست . اگر شخصی به عدم
اجرای عمل خیر قسم یاد میکند ، عمل خیر را انجام
بدهد و در عوض قسم خود کفاره بدهد .

واجب بودن عمل کردن به قسم : اگر شخصی قسم یاد
میکند که برای برادر مسلمان خود یک عمل خیر را
انجام می دهد باید انجام بدهد * برای معلومات
بیشتر به کتاب : منهاج المسلم : تأليف أبو بكر الجزائري ،
فصل قسم مراجعت شود .

اول سوگند بحق اللہ و بحق قرآن کریم :

سؤال : شخصی گفت : قسم بحق خداوند عز و جل
و بحق مصحف کلام رب العالمین این کار را انجام
نمی دهم و از خداوند متعال خواست که اگر انجام

اگر کسی قسم یاد میکند باید بنام خدا یاد کند زیرا
رسول کریم صلی اللہ علیہ وسلم میگفت که : (و الذی
نفس محمد بیده ، آن ذاتیکه نفس محمد بدست او است
« یعنی خداوند » و حضرت جبریل علیہ السلام گفت : (و
عذتك لا یسمع بها احد الا دخلها) جبریل علیہ السلام
بعزت خداوند قسم یاد کرد .

صحیح نیست که انسان بغیر از اسماء خداوند به اشیای
دیگر قسم یاد کند و رسول اللہ صلی اللہ علیہ وسلم در
این مورد می فرماید :

(من کان حالفًا فليحلف بالله او ليصمت : متفق علیه *
يعنى کسیکہ قسم میخورد باید بنام خداوند قسم
بخورد و یا خاموش باشد . در حدیث دیگر می فرماید
که : (و لا تحلفوا و انتم صادقون : ابو داود و نسائی *
قسم یاد نکنید اگر صادق میباشد) . و همچنان می
فرماید : (من حلف بغیر الله فقد اشرك : احمد * کسیکہ
بغیر از خدا قسم یاد میکند شرک میکند) .

در روایت دیگر که ابو داود و الحاکم نقل نموده اند آن
حضرت می فرماید : (من حلف بغیر الله فقد كفر *
کسیکہ بغیر از خدا قسم یاد میکند هر آهینه که کفر
میکند) .

اقسام قسم :

قسم اقسام متعدد دارد مثلا :

اول : قسم الغموس : قسم غموس آن نوع قسم را می
گویند که انسان به آنچه حقیقت ندارد قسم یاد میکند
بطور مثال قسم یاد میکند که این مtau را به این مبلغ
خریده ام در حالیکه حقیقت ندارد و یا اینکه قسم یاد
میکند که این کار انجام داده ام و یا نداده ام در حالیکه
حقیقت نیست و یا اینکه بخدا دیروز به خانه شما آمده
بودم در صورتیکه صحیح نیست .

این نوع قسم بنام غموس یاد میشود زیرا کسیکہ آنرا
یاد میکند داخل گناه میشود و این قسم گناه بزرگ را
دارد که باید انسان مسلمان از یاد کردن آن بر حذر باشد .

سوگند/

داد ازوی انتقام بگیرد تا دو باره به اجرای آن اقدام نکند،
بعدا به آنچه قسم یاد کرده بود انجام داد و بعد از اجرای
آن فورا توبه نمود. در این حالت آیا بالایش بسبب عدم
وفاء به سوگند اش کفاره واجب میشود؟

جواب : «حق» از جمله اسماء الحسنی و صفات علیا
حضرت خداوند سبحانه و تعالی میباشد و «مصحف»
که در آن قرآن کریم نوشته شده و کلام رب العالمین
است و مردم عادت نموده اند که قسم و یا سوگند یاد
میکنند به حق خداوند و اراده شان در این نوع قسم اسم
و صفت الله است و همچنان عادت نموده اند که سوگند
خورند به «به حق مصحف شریف» و نیت اشاره به آن
است که قرآن بر بنده حقوقی دارد و کلام خداوند است
مثلا میگویند به حق قرآن و مقصد کلام خداوند منزل بر
رسول الله و مقروء بزبانها و محفوظ به صدور و مكتوب
در مصحف و این نوع قسم در نزد سه امام و جمهور
فقهای حنفی مشروعیت دارد.

در فتاوی «الخانیه والظہریه» که سوگند یاد کردن به «
حق الله تعالی» سوگند است و همین حکم را صاحب
الاختیار که در الدر المختار آمده است گرفته است.
در شرح العینی آمده است که: «اگر به مصحف سوگند
یاد شد و یا دست خود را بالای مصحف گذاشت و کفت:
به حق این مصحف پس سوگند صورت میگیرد خصوصا
در این زمان قسم زیاد هر فاجر و غیر فاجر میخورند و
مردم عوام رغبت دارند که به مصحف سوگند یاد شود.
این حکم را صاحب النهر تایید میکند و مقصد از
سوگند به مصحف کلام الله میباشد.

الکمال می گوید که: «إن الحلف بالقرآن متعارف الأن
فيكون يمينا والأيمان مبنية على العرف» *يعنى سوگند
یاد کردن به قرآن امروز متعارف شده است و قسم حساب
میشود و قسم مبني به عرف است.

سوگند غموس (اليمين الغموس)

سؤال : شضی در محکمه نزد قاضی سوگند یاد کند
که:

قسم بخداوند بزرگ که عمر پسرم 15 سال است در
حالیکه میداند که کمتر است. لیکن بخاطر یک
عمل خیر به مصلحت پسرش میباشد. آیا این عمل
در جمله سوگند میباشد؟

سوگند/

در مورد فقره دوم سؤال چون شخص إن شاء الله گفته است و قسم خود را به مشیت گذاشته است در مذهب حنفی کفاره در قسمی که به مشیت همراه باشد نیست و دلیلی که احناف می آورند حدیث شریف که: { من حلف علی یمین فقال إن شاء الله فلا حنت عليه }. لیکن امامان مذهب حنفی شرط میگذارند که گفتن إن شاء الله متصل به قسم باشد نه منفصل یعنی در یک وقت باشد این دلیل را امام السرخسی و دیگر فقهاء می آورند. و الله أعلم.

نوت : دو جواب فوق از کتاب : فتاوى شرعية و بحوث إسلامية ترجمه شده است.

سؤال: برای خانم خود گفتم که بمنزل همسایه که همیشه سبب مشکلات ما میشوند داخل نشود و اگر داخل شد بر من حرام است.

از دوست خود سؤال کردم که آیا زنم بر من حرام شده ؟ او از نیت من پرسید که در نیت من آیا طلاق بود یا خیر. جواب دادم که در نیت من طلاق نبود لیکن در قلبم تشویش از این موضوع دارم.

جواب : از مجمع فقهاء الشريعة بأمريكا:

اگر قصد و هدف شما فقط منع خانم از رفتن به خانه همسایه بود و قصد شما طلاق نبود در این حالت فقط قسم حساب شده باید کفاره قسم خود را بپردازید و نباید ذهن خود را مشغول وسوسه ها سازید و وسوسه را از قلب خود خارج سازید. و الله أعلم.

سؤال : دست خود را بالای قرآن کریم گذاشتم و سه بار قسم یا کردم که با شخص معین در تیلفون حرف نزم و هر گز به خانه اش داخل نشوم. کفاره این قسم چیست ؟

جواب : این نوع سوگند از جمله قسم غموس میباشد، و از جمله گناهی کبیره بحساب میآید زیرا حرمت نام خداوند حفظ نشده است.

سؤال : آیا قسم معلق کفاره دارد مثلا اگر کسی برای کسیکه نزدش کار میکند و از او قرض دار است بگوید که تا زمانیکه حق ترا ندادم کافر میباشم؟ آیا این گفتار و قول شرعاً قسم میباشد ؟

جواب : اگر بهمین صیغه یاد شده باشد قسم معلق یاد میشود و قسم معلق در نزد احناف یعنی در نزد امامان مذهب حنفی بنام قسم معلق یاد میشود و کسی که قسم یاد کرده بالایش کفاره می باشد چنانکه در کتاب «الدر و حاشیته» آمده. و الله أعلم.

سؤال : شخصی اگر قسم بخدا یاد کند که از اوی ماه شعبان تا آخر آن سگرت نمی کشم و لیکن قبل از آخر شعبان سگرت بکشد در این حالت خلاف قسم خود عمل کرده است ؟

و یا اگر قسم یاد کند که از ابتداء ماه شعبان تا آخر رمضان إن شاء الله سگرت نمی کشم و لیکن در آخر شب رمضان سگرت بکشد ، آیا خلاف قسم خود عمل نموده است و کفاره بالایش واجب می شود ؟

جواب : در نزد امامان مذهب حنفی یا در مذهب حنفی در مورد فقره اول سؤال این حکم آمده که در این حالت کفاره بالای شخص واجب می گردد و کفاره آزاد ساختن یک غلام و دادن طعام برای ده مسکین و یا دادن لباس برای ده مسکین و اگر قادر نباشد سه پی در پی روزه گرفتن است.

سوگند/

«نشانه منافق سه خصلت است : چون سخن زند ، دروغ گوید ، چون وعده کند خلاف ورزد و چون امانتی بدو سپرده شود خیانت کند.»³³ صحیح البخاری ، باب علامت منافق حدیث: 33 . ترجمه استاد عبدالعلی نور احراری.

در روایت دیگر : «أربع من كن فيه كان منافقاً خالصاً، و من كانت فيه واحدة منهـنـ ، فـيـهـ خـصـلـةـ مـنـ النـفـاقـ حتـىـ يـدـعـهـاـ : إـذـاـ حـدـثـ كـذـبـ ، وـ إـذـاـ أـؤـتـمـنـ خـانـ ، وـ إـذـاـ عـاهـدـ غـدـرـ ، وـ إـذـاـ خـاصـمـ فـجـرـ * رـوـاهـ الشـيـخـانـ وـ أـبـوـ دـاـوـدـ وـ التـرمـذـيـ وـ النـسـائـيـ اـزـ حـدـيـثـ عـبـدـ اللـهـ بـنـ عـمـرـ وـ رـضـيـ اللـهـ عـنـهـمـاـ» .

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود : «کسی که دارای این چهار خصلت باشد منافق خالص است و اگر یکی از این خصلتها را دارا باشد خصلتی از نفاق در او وجود دارد تا آنکه آن را ترک نماید : اگر امین شمرده شود خیانت نماید و چون سخن زند دروغ گوید و چون وعده کند خلاف ورزد و چون دعوا و درگیری نماید دشنام دهد» همان مرجع حدیث: 34 .

دروع از صفات و خصوصیات مؤمنین نبوده بلکله از صفات منافقین میباشد ، همچنان کسانی هستند که دروغ میگویند و برای اثبات کذب خود قسم یاد میکنند و حتی در روز قیامت در مقابل الله دروغ می گویند و برای دروغ خود قسم یاد میکنند مثلیکه در دنیا مقابل مسلمین قسم یاد میکردند . قرآن کریم در باره ایشان می فرماید : (إِنَّمَا يُفْتَرِي الْكَذْبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْكَذَّابُونَ * النَّحْلُ : 105) . جز این نیست که افتراء میکنند دروغ را آنانکه ایمان ندارند بآیت های خدا و ایشانند دروغگویان .

جواب : از طرف مجمع فقهاء الشريعة بأمريكا :

برای اینکه از قسم خلاص شوید باید کفاره قسم خود را که : طعام دادن ده مسکین و یا لباس دادن ده مسکین و اگر قدرت آنرا نداشته باشد روزه گرفتن برای سه روز کفاره آن است.

خداؤند سبحانه و تعالی در سوره المائدہ ، آیه 89 کفاره قسم را ذکر نموده است . و الله أعلم .

سؤال : برای نامزد خود وعده دادم که از معاش اول خود برایش هدیه از طلا می خرم ، لیکن قبل از اینکه اول ماه داخل شود نامزدی ما فسخ شد . آیا در مقابل نذر و وعده که داده ام کفاره نیز است یا اینکه به وعده خود وفاء کنم .

جواب : از طرف مجمع فقهاء الشريعة بأمريكا :

فکر میکنیم که وعده شما مقید به یک عرف و سبب آن ادامه نامزدی بود ، چون نامزدی فسخ شده شما مجبور به دادن هدیه نیستید زیرا وعده شما به سبب نامزدی بود .

و اگر اراده دارید که کفاره قسم خود را به سبب احتیاط بدھید یک عمل خیر است . و الله أعلم .

حکم دروغ گفتن

کذب (دروع) مسلمانیکه تمام فرائض را بجا می آورد لیکن دروغ می گوید ، آیا از جمله صالحین به حساب می آید ؟

دروع اخلاق رشت شخص را نمودارکرده و از اخلاق منافقین است نه از اخلاق صالحین و مؤمنین چنانکه حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرماید : «آیة المنافق ثلث ، إذا حدث كذب ، و إذا وعد أخلف ، و إذا أؤتمن خان * رواه الشیخان». .

دروغ متفاوت است و هر قدر ضرر دروغ بزرگ و شدید تر باشد به همان اندازه نهی از آن بزرگتر و گناه آن بزرگتر است . بعضی دروغ ها از جمله گناهان صغیره میباشد و بعضی از جمله کبائر یعنی گناهان کبیره به حساب می آید .

رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم می فرماید : (ثلاثة لا ينظر الله إليهم يوم القيمة ولا يزكيهم، ولهم عذاب أليم : شيخ زان، و ملك كذاب و عائل مستكبر * رواه مسلم) . سه گروه اند که خداوند در روز قیامت به سوی شان نمی نگرد و نه آنها را تزکیه می کند و آنان را عذابی درد ناک است : پیری که زنا می کند ، و پادشاهی که دروغ می گوید و نیازمندی که کبر می ورزد .

حکم رشوت :

شیخ ابن باز جواب میدهد :

رشوت به نص و اجماع حرام است . رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم رشوت دهنده و رشوت گیرنده را العنت کرده است . رشوت از جمله گناهان بوده ایمان را ضعیف می سازد و سبب غضب خداوند میگردد . باید پول رشوت به صاحب آن داده شود و اگر صاحب آن نا معلوم بود برای فقراء صدقه داده شود و رشوت گیرنده توبه صادقانه نماید .

**خواهان و برادران گرامی با فرستادن صدقات خود
نشرات فقه اسلامی را تقویت مادی نموده داخل اجر
شوید .**

Mogaddedi Fazl Ghani
201 Washington Blvd # 104
Fremont , ca 94539
U.S.A
Tel (510) 979 - 9489
fazlghanimogaddedi@yahoo.com
Islaminfo.one

حکم دروغ /

از رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم سؤال شد که : ممکن است مسلمان جبون باشد ؟ فرمودند : بله . سپس پرسیدند : آیا ممکن است مسلمان بخیل باشد ؟ فرمودند : بله . سپس سؤال کردند که : آیا ممکن است مسلمان کذاب یا دروغ گو باشد ؟ فرمودند : نی - روایت نموده مالک از صفوان بن سلیم -

در بین مردم ممکن است کسانی باشند که ضعیف النفس باشند و به جبن متصف باشند و ممکن است کسانی باشند که بخیل باشند و این دو صفت (بخل و جبن) در طبیعت انسان است در حالیکه کذب یا دروغ از طبیعت انسان نبوده بلکه انسان در شیجه تمرين آرا بدست می آورد . اسلام مردم را متوجه کذب نموده و رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم می فرماید : (عليکم بالصدق، فإن الصدق يهدى إلى البر، وإن البر يهدى إلى الجنة، ولا يزال الرجل يصدق، و يتحرى الصدق حتى يكتب عند الله صديقا .)

و إياكم والكذاب، فإن الكذب يهدى إلى الفجور، وإن الفجور يهدى إلى النار، ولا يزال الرجل يكذب و يتحرى الكذب ، حتى يكتب عند الله كذابا * متفق عليه من حدیث ابن مسعود) .

بر شماست راستی همانا راستی به سوی نیکی رهنمود می کند ، همانا دروغ به سوی گناه رهنمائی می کند ، و مرد پیوسته راست می گوید ، و در پی راستی است تا آنکه در نزد خدا راستگو نوشته می شود . و بر حذر باشد از دورغ ، همانا دروغ به سوی گناه رهمنایی می کند ، و همانا گناه به سوی آتش دوزخ رهمنایی می کند و پیوسته مرد دروغ می گوید و در صدد دروغ است تا آنکه به نزد خدا دروغگو نوشته می شود . (ترجمه از استاد نور احراری) .

مسلمان کوشش نمایدتا اطفال خود را از طفولیت براستگویی عادت بدهد و از دروغ منع نماید .